

## بررسی تحولات تاریخی و باستان شناختی بنای کعبه زرتشت

«گرنای خانه» یا «نقاره خانه» رحیم تزری<sup>۱</sup>، آزاده محمودیان<sup>۲</sup>

### چکیده

کعبه زرتشت، نام بنای سنگی چهار گوش و پله داری در محوطه باستانی نقش رستم در مرودشت فارس که در فاصله ۷ کیلومتری شمال غربی تخت جمشید واقع شده است. محوطه نقش رستم علاوه بر بنای مذکور، یادمان‌هایی از دوران ایلامیان، هخامنشیان و ساسانیان را نیز در خود جای داده است. برخی از باستان‌شناسان، کعبه زرتشت را محل حفظ کتاب مقدس زرتشتیان (اوستا) می‌دانند. از جهتی به نظر می‌رسد این اثر مهم باستانی استودان یا مقبره پادشاه هخامنشی بوده باشد. در برخی منابع، اصطلاح کعبه زرتشت را جدید و غیرعلمی می‌دانند و سابقه آن را حدود قرن چهاردهم میلادی نوشته‌اند. براین اساس، نام محلی این بنا، گرنای خانه یا نقاره خانه بوده و اروپائیان به دلیل آنکه درون این بنا از دود، سیاه شده بود، آن را مکان ویژه پرستش آتش<sup>۱</sup> آتشگاه<sup>۲</sup> می‌دانستند. پژوهش‌های میدانی تفسیر تازه‌ای از این بنا ارائه داده است و آن را یک رصدخانه و تقویم آفتابی می‌داند بر روی دیوارهای سنگی این اثر چند کتیبه، به خط پهلوی و زبان یونانی ایجاد شده است. در این نوشتار تلاش شده تا این اثر باستانی از منظر تاریخی و باستان شناسی مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

**واژگان کلیدی:** نقش رستم، نقاره خانه، اورارتو، رصدخانه، مرودشت، تخت جمشید.

<sup>۱</sup> - دانش آموخته باستان‌شناسی پیش از تاریخ ایران. پژوهشگر آزاد.

<sup>۲</sup> - دانش آموخته ارشد مهندسی معماری.

## کعبه زردشت

کعبه زردشت، از جمله بناهای سنگی است که با سقف سنگی از دوره کورش یکم، پادشاه هخامنشی، در مجموعه نقش رستم تخت جمشید باقی مانده است. برخی از باستان‌شناسان، کعبه زردشت را محل حفظ کتاب مقدس زرتشتیان (اوستا) می‌دانند. بر روی دیوارهای سنگی این اثر چند کتیبه ایجاد شده است. کتیبه‌ها، به خط پهلوی و زبان یونانی است. فلاندن در سال ۱۸۴۳ میلادی از کتیبه‌های کعبه زردشت رونوشت برداشته است. ترجمه این کتیبه‌ها به وسیله پروفیسور اسپرینگلینگ صورت گرفته است. در ورودی کوچکی در دیوار شمالی است (سعیدی، ۱۳۷۸: ۱۹۹).

فرخ سعیدی در مورد سبک معماری کعبه زردشت نوشته است: «طرح ساختمانی کعبه زردشت، نفوذ معماری فرهنگ اورارتو یا مادی را می‌رساند. کاردانی معماری با ذوق هنری هخامنشی درآمیخته و بنایی به وجود آورده که در عین سادگی و استحکام، از زیبایی خاص برخوردار است» (سعیدی، ۱۳۷۸: ۱۹۲). نمونه این اثر در پاسارگاد نیز از دوره هخامنشی باقی مانده است. چهار قطعه سنگ یک پارچه با ابعاد  $۷/۶۰ \times ۱/۹۰$  متر پوشش این بنا را تشکیل می‌دهد. ساختمان از ۲۰ ردیف سنگ سفید و بدون ملات ساخته شده و پایه بنا از دو قطعه سنگ چهارگوش تشکیل شده است. در ورودی کوچکی در دیوار شمالی است. در اول ساختمان یک اتاق خالی و بدون پنجره به ابعاد  $۴/۷ \times ۴ \times ۳/۲$  متر وجود دارد.<sup>۳</sup> سرزمین پارس (فارس) به دلیل شرایط مطلوب جغرافیایی، از ادوار کهن مسکون بوده است. بعد از دوره ایلامیان، مهاجران آریایی به تدریج وارد ایران شده و در نواحی جنوبی ایران استقرار یافته‌اند. یکی از قبایل

۴- سعیدی، فرخ، ۱۳۷۸، ص ۱۹۹.

معروف آریایی ها، پارس ها هستند که سلسله های مقتدر هخامنشی و ساسانی از این قوم برخاسته اند.



بخشی از سازه‌های سنگی نقش رستم

### وجه تسمیه و نام ها

این بنا در دوره هخامنشی ساخته شده و از نام بنا، در آن دوران اطلاعی در دست نیست؛ ولی در دوره ساسانی به آن بُن خانک گفته می‌شده و نام محلی این بنا هم، گُرنا‌ی خانه یا نقاره‌خانه بوده و اصطلاح کعبه زرتشت در دوران اخیر و از حدود قرن چهاردهم میلادی به این بنا اطلاق شده‌است. درباره کاربرد این اتاقک، دیدگاه‌ها و تفسیرهای متفاوتی ارائه شده‌است و نمی‌توان هیچ کدام از آن‌ها را به قطعیت پذیرفت؛ چنان‌که برخی این برج را آتشگاه و آتشکده می‌دانند و معتقدند که این بنا، مکان روشن کردن آتش مقدس و محلی برای عبادت بوده‌است اما عده‌ای دیگر با ردّ

آتشگاه بودن آن، این بنا را به دلیل شباهتش به آرامگاه کورش بزرگ و برخی از آرامگاه‌های لیکیه و کاریا، آرامگاه یکی از شاهان یا بزرگان هخامنشی می‌دانند و برخی دیگر از ایران‌شناسان این اتاقک کوچک سنگی را بنایی برای نگهداری اسناد و کتاب‌های مقدس دانسته‌اند اما اتاقک کوچک کعبه زرتشت برای نگاهداری کتابهای دینی و اسناد شاهی بسیار کوچک است. البته نظریات دیگری همچون معبدی برای ایزد آناهیتا، رصدخانه و یا تقویم آفتابی هم ذکر شده‌است که کمتر مورد توجه هستند.

### کتیبه‌ها

بر بدنه شمالی، جنوبی و خاوری این برج، سه کتیبه به سه زبان پهلوی ساسانی، پهلوی اشکانی و یونانی در دوره ساسانیان نوشته شده‌است. که یکی به شاپور اول ساسانی و دیگری به موبد کرتیر تعلق دارند و چنان‌که والتر هنینگ گفته‌است، «این کتیبه‌ها مهم‌ترین سند تاریخی از دوره ساسانی می‌باشند. ساختمان کعبه زرتشت از نظر تناسب اندازه‌ها، خطوط و زیبایی خارجی، بنای زیبایی است که از نظر اصول معماری نمی‌تواند مورد ایراد قرار گیرد.

### کتیبه‌های شاپور و کرتیر

در سال ۱۳۱۵ (۱۹۳۶ میلادی) در پی کاوش‌های گروه حفاری گروه مؤسسه خاورشناسی دانشگاه شیکاگو، بر روی بنای کعبه زرتشت کتیبه‌هایی یافت شد که متعلق به شاپور یکم و موبد کرتیر بودند؛ کتیبه شاپور به سه زبان یونانی (۷۰ سطر)، پهلوی اشکانی (۳۰ سطر) و پهلوی ساسانی (۳۵ سطر) بر سه طرف بنا نوشته شده‌اند و کتیبه کرتیر که در ۱۹ سطر به زبان پهلوی ساسانی است، در زیر کتیبه شاپور قرار دارد. در کتیبه شاپور که به منزله «قطعه‌نامه انقلاب» دودمان ساسانی باید تلقی گردد او

ابتدا خود را معرفی کرده و مناطقی که بر آن‌ها حکمرانی می‌کرد را ذکر می‌کند و سپس به شرح جنگ‌های ایران و روم پرداخته و به شکست و کشته شدن گوردیان سوم<sup>۱</sup> اشاره می‌کند که پس از آن سپاهیان روم فیلیپ عرب را امپراتور اعلام کردند و وی برای درخواست عفو، خسارتی معادل نیم میلیون دینار طلا به شاپور پرداخت کرد و به کشورش بازگشت. در ادامه، شاپور شرح نبردش با رومیان را به همراه فهرست مفصلی از ایالت‌های رومی که سپاهیان را از آنجا جمع کرده بودند، شرح داده‌است. این نبرد که بر سر ارمنستان صورت گرفت، بزرگترین شکستی بود که ساسانیان بر رومیان وارد کردند. شاپور در ادامه می‌گوید که: والریانوس قیصر<sup>۲</sup> را، خودم، با دست‌های خویش دستگیر کردم.» و نام سرزمین‌هایی که در این نبرد به تصرف او درآمد را ذکر می‌کند. وی سپس از قدرت خداوند که به او قدرت پیروزی را داده سپاسگزاری می‌کند و برای خشنودی وی آتشکده‌های زیادی را برپا می‌کند تا نام کسانی که در ایجاد دولت ساسانی نقش داشتند را در برابر آتش یاد کنند و در پایان کتیبه به آیندگان سفارش کرده‌است که در کارهای ایزدان و امور خیریه بکوشند این کتیبه از نظر اهمیت تاریخی بسیار جالب توجه و در زمره مدارک تراز اول دوره ساسانی محسوب می‌شود و از لحاظ حدود و گستردگی مرزهای ایران ساسانی از مهمترین اسناد این دوران است. و در این کتیبه آخرین باری است که از خط و زبان یونانی در کتیبه‌های ایرانی، استفاده می‌شود.

**کتیبه کورتیر** که در زیر کتیبه پهلوی ساسانی شاپور قرار دارد به دستور کرتیر، در زمان پادشاهی بهرام دوم و حدود سال ۲۸۰ میلادی نوشته شده‌است. وی در ابتدا خود را

معرفی می‌کند و سپس عناوین و القاب خود را در زمان پادشاهان گذشته ذکر کرده و می‌گوید که در زمان شاپور یکم عنوان هیربد<sup>□□□</sup> را داشته‌است و «از سوی شاهنشاه شاپور اول به سمت رئیس بزرگ همه موبدان» منصوب شده و در روزگار هرمز یکم از سوی شاهنشاه به دریافت کلاه و کمر نایل آمده و قدرتی روزافزون یافته‌است و «موبد اهورامزدا که ایزد بزرگ است» لقب یافت. آنگاه کرتیر به ذکر فعالیت‌های دینی خود مانند مبارزه با ادیان دیگر همچون مسیحی، مانوی، یهودی، بودایی و مرتدین زرتشتی می‌پردازد و از تأسیس آتشکده‌ها و اختصاص موقوفات برای آنها یاد می‌کند. هم چنین از اصلاح موبدانی که به نظر او دچار انحراف بوده‌اند سخن به میان می‌آورد و فهرست ایالاتی را که در زمان شاپور یکم به تصرف ایران درآمده بود را ذکر کرده و سرانجام کتیبه با دعا پایان می‌پذیرد.

نوشتارهای اصلی: کتیبه شاپور یکم بر کعبه زرتشت و کتیبه کرتیر در کعبه زرتشت



نسخه پهلوی اشکانی کتیبه شاپور



جایگاه کتیبه کرتیر و شاپور (نسخه پهلوی ساسانی) بر دیوار کعبه زرتشت

### گُرناى خانه یا نقاره خانه

علیرضا شاپور شهبازی نوشته است: اصطلاح کعبه زرتشت، جدید و غیرعلمی است و سابقه آن به حدود قرن چهاردهم میلادی می‌رسد. نام محلی این بنا، گُرناى خانه یا نقاره خانه بود و اروپائیان به دلیل آنکه درون این بنا از دود سیاه شده بود، آن را مکان ویژه پرستش آتش دانستند و چون زرتشتیان را به اشتباه، آتش پرست می‌خواندند، اینجا را هم بدانان نسبت داده و آتشگاه زرتشتیان نامیدند و این تعبیر به دلیل آنکه شکل بنا مکعبی بود و سنگ‌های سیاهی که در زمینه سفید دیوارهای آن نشانده شده، یادآور حجرالاسود، کعبه مسلمانان بود، به کعبه زرتشت معروف گشت.

در دانشنامه ایرانیکا آمده است: «کعبه زرتشت نامش را احتمالاً در قرن چهاردهم میلادی کسب کرده‌است یعنی زمانی که محوطه‌های باستانی ویران شده در سرتاسر ایران به شخصیت‌هایی از قرآن یا شاهنامه ربط داده می‌شدند. این نام به این معنی نیست که آنجا مقبره زرتشت بوده‌است»

به واسطه کشف سنگ‌نبشته کرتیر بر دیواره‌های آن، این بنا در دوره ساسانی بُن خانک به معنای خانه بنیادی بوده‌است چنان‌که در متن سنگ‌نوشته آمده‌است. این خانه بنیادی به شما تعلق خواهد داشت، به بهترین وجهی که صلاح می‌دانید رفتار کنید، که موجب خشنودی خاطر خدایان و خاطر ما (مقصود شاپور یکم است) باشد.» این بلخی نام محوطه نقش رستم و کوه آن را کوه نبشت (کوه نبشته‌ها) ذکر کرده و دلیل این نامگذاری، نگاهداری کتاب اوستا در آنجا بوده است. اصطلاح دژنبشت یا دژ کتیبه‌ها ممکن است برای بنای کعبه زرتشت مورد استعمال واقع شده باشد.

### مشخصات معماری بنا

فاصله کعبه زرتشت تا کوه، ۴۶ متر است و دقیقاً روبه‌روی آرامگاه داریوش دوم قرار دارد. بنای کعبه زرتشت، مکعب مستطیلی است و تنها یک در ورودی دارد که به وسیله پلکانی از جنس سنگ به درون اتاقک آن راه می‌یابد و در هر طرف نمای این کعبه، چهار پنجره کور وجود دارد. جنس سنگ‌های بکار رفته در این بنا، سنگ آهک سفید مرمنا است که در دیوارهای آن طاقچه‌های دندان‌داری از سنگ سیاه، قرار دارد که سنگ‌های این بنا را از کوه سیوند در جایی به نام نعل‌شکن تا نقش رستم آورده‌اند. قطعات سنگ‌ها را بزرگ و بیشتر مستطیلی تراشیده‌اند و بدون استفاده از ملات برهم نهاده شده‌اند و در برخی از جاها - همچون بام - سنگ‌ها را با بست‌های دُم چلچله‌ای به هم متصل کرده‌اند. اندازه سنگ‌ها از ۲،۹۰×۲،۱۰×۰،۴۸ متر تا ۱،۱۰×۱،۰۸×۰،۵۶ متر متفاوت است، اما در دیوار غربی، تخته‌سنگی وجود دارد که بزرگی اش ۴،۴۰ متر است. بلندی آن حدود ۱۲ متر است که با احتساب پله‌های سه‌گانه به ۱۴،۱۲ متر می‌رسد و ضلع هر قاعده آن، حدود ۷،۳۰ متر درازا دارد. در ورودی آن به وسیله پلکانی سی پله‌ای از جنس سنگ به درون اتاقک آن راه می‌یابد. چهار تکه

سنگ مستطیلی بزرگ با محور شرقی-غربی سقف را می‌پوشانند، هرکدام از این سنگ‌ها ۷,۳۰ متر طول دارند و طرز تراش آن‌ها شکل هرم کوتاهی را به بنا بخشیده‌است. در برهم نهادن سنگ‌های بنا از شیوه همترازسازی استفاده کرده‌اند ولی در رده‌بندی سنگ‌ها نظم دقیقی رعایت نشده و در برخی جاها ۲۰ رده و در برخی از قسمت‌های دیگر ۲۲ رده سنگ بر روی هم نهاده تا به سقف رسیده‌اند. هر جا که در سنگ اصلی خطا و عیبی بوده، آن قسمت را برداشته‌اند و با وصله‌های ظریفی پُر کرده‌اند که برخی از آن‌ها هنوز وجود دارند. برای اینکه یکنواختی و یک‌رنگی بنا زیاد مشخص نشود، دو تنوع معماری در آن داده شده؛ یکی اینکه طاقچه‌های دو لبه‌ای از یک یا دو تخته سنگ سیاه خاکستری ساخته و در دیوارها نشانده‌اند و دوم اینکه در قسمت بالا و میانی دیوارها، گودی‌های مستطیلی کوچکی کنده‌اند که ظرافت خاصی به چهره بنا می‌دهند. سنگ‌های سیاه را احتمالاً از کوه مهر در تخت جمشید آورده باشند و در سه ردیف به ترتیب زیر در دیوارها قرار داده‌اند.

- در بالا زیر سقف، در جبهه شمالی یک طاقچه کوچک مستطیلی، و دو طاقچه مثل آن در هریک از جبهه‌های دیگر.
- در سه متری زیر سقف، دو طاقچه بزرگ مربعی در سه جبهه و یک طاقچه کوچک مستطیلی در جبهه شمالی.
- در شش متری زیر سقف، دو طاقچه مستطیلی متوسط در سه جبهه و یک در بزرگ مستطیلی در جبهه شمال.

### پلکان

یک پلکان سی‌پله‌ای (هر پله به درازی ۲ تا ۲,۱۲ متر؛ پهنای ۲۶ سانتی‌متر و ارتفاع ۲۶ سانتی‌متر) در سینه دیوار شمالی تعبیه شده که به آستانه درگاه ورودی می‌رسد. بدین

ترتیب، به خوبی مشخص است که می‌خواسته‌اند بنا شکل یک برج سه طبقه که هر طبقه‌ای هفت در و دریچه دارد را داشته باشد، اما فقط یک در را حقیقی درست کرده‌اند و بقیه را به صورت پنجره‌های کور بی‌منفذ نگه داشته‌اند. این بنا بر سکوی سه‌پله‌ای قرار دارد که پله نخست، ۲۷ سانتی‌متر بالاتر از کف اصلی زمین است و ارتفاع برج با احتساب پله‌های سه‌گانه به ۱۴,۱۲ متر می‌رسد. قاعده بنا به شکل مربع است که هر ضلع آن، حدود ۷,۳۰ متر درازا دارد. سقف بنا نیز رو به درون صاف و هموار است اما از بیرون شیب دوجانبی دارد که از خط میانه بام آغاز می‌شود. درگاه ورودی ۱,۷۵ متر بلندی و ۸۷ سانتی‌متر پهنا دارد و دری دو لنگه‌ای و بسیار سنگین داشته‌است و جای پاشنه‌های پایینی و بالایی هر لنگه در سنگ کنده شده و به خوبی معلوم است. برخی پنداشته‌اند که جنس در از چوب بوده‌است، اما یک قطعه از در سنگی بنای **زندان سلیمان** در **پاسارگاد** و یک در همانند در کعبه زرتشت پیدا شده که مشخص می‌کند در هردو بنا از سنگ بوده‌اند. این در به اتاقی هدایت می‌شد که چهارگوش است و  $۳,۷۴ \times ۳,۷۲$  متر اندازه دارد و بلندایش به ۵,۵ متر می‌رسد که قطر دیوارهایش بین ۱,۵۴ متر تا ۱,۶۲ متر، متغیر است.



پلکان بنای کعبه زرتشت

### بررسی های تاریخی

در اینکه کعبه زرتشت از دوره هخامنشیان است، هیچ تردیدی نمی توان داشت و بسیاری از شواهد، گواهی می دهند که ساخت این بنا در آغاز دوره هخامنشی انجام شده است که مهم ترین آن ها عبارتند از:

- به کار بردن سنگ های سیاه در زمینه سفید از ویژگی های معماری پاسارگاد است.
- بست های دم چلچله ای بیشتر به دوره داریوش بزرگ و خشایارشا تعلق دارند و شیوه همتراز سازی سنگ ها مربوط به ساخت های آغازین تخت جمشید است.
- در و درگاه ورودی بنا، همانند در و درگاه ورودی آرامگاه های شاهان هخامنشی است که همه آن ها از طرح آرامگاه داریوش بزرگ استفاده کرده اند.
- طرز چیدن سنگ ها که بدون ملاط و بی نظم است، نخستین قسمت های سکوی تخت جمشید را که در زمان داریوش بزرگ ساخته شده، به یاد می آورد و به ویژه

سنگ نبشته پی بنای دیوار جنوبی تخت جمشید تقریباً به اندازه سنگ‌هایی است که بر سقف کعبه زرتشت نهاده‌اند. کارستن نیبور که در سال ۱۷۶۵ میلادی (۱۱۷۸ هجری) از این بنا دیدن کرده بود منوشته است: جلوی کوهی که آرامگاه‌ها و سنگ نگاره‌های پهلوانی رستم بر آن قرار دارد، بنای کوچکی از سنگ سفید ساخته شده‌است که فقط با دو قطعه سنگ بزرگ پوشیده شده‌است. همچنین ژان دیولافوا<sup>□□</sup> که در سال ۱۸۸۱ به ایران آمده بود در سفرنامه خود چنین گزارش داد: «... و بعد یک بنای چهار ضلعی را دیدیم که در مقابل دیوارهای صخره واقع بود. هریک از سطوح آن مانند سطوح بنای خرابی بود که در دشت پلوار دیده بودیم»



کعبه زرتشت در سده نوزدهم، اثر ژان دیولافوا

نخستین تصاویر مصور از این بنا در قرن هفدهم توسط جهانگردان اروپایی از جمله ژان شاردن<sup>۱</sup>، انگلبرت کمپفر<sup>۲</sup> و کرنلیوس د برین<sup>۳</sup> در سفرنامه‌هایشان آمده بود اما شرح علمی و گزارش‌های حفاری بنا، نخستین بار توسط اریک فریدریش اشمیت<sup>۴</sup> انجام شد که با عکس و نقشه‌های ترسیمی، همراه بود.

### کاوش‌های باستان‌شناسی

محوطه نقش رستم همراه با بنای کعبه زرتشت برای نخستین بار، در سال ۱۹۲۳ میلادی (۱۳۰۲ خورشیدی) توسط ارنست هرتسفلد بررسی و کاوش شد. همچنین، این محوطه در چندین فصل در بین سال‌های ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۹ مورد کاوش گروه مؤسسه خاورشناسی دانشگاه شیکاگو به رهبری اریک فریدریش اشمیت قرار گرفت و آثار مهمی چون نسخه پارسی میانه کتیبه بزرگ شاپور یکم که بر دیواره بنا نوشته شده بود، پیدا شدند.



تصویری از کاوش‌های انجام‌شده توسط مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو.

## کاربرد

کاربرد بنای کعبه زرتشت همواره مورد مناقشه باستان‌شناسان و پژوهشگران بوده‌است و دیدگاه‌ها و تفسیرهای گوناگونی درباره کاربرد آن ذکر شده‌است؛ اما چیزی که تفسیر آن را دشوارتر هم می‌کند، وجود بنای مشابهی در پاسارگاد است که هر احتمالی را باید با شرایط آن نیز سنجید و تفسیر مشابهی برای هر دو در نظر گرفت. برخی از باستان‌شناسان این بنا را آرامگاه دانسته‌اند و بعضی دیگر مانند رومن گیرشمن<sup>□□</sup> و اشمیت، گفته‌اند که کعبه زرتشت آتشگاهی بوده‌است که آتش مقدس را در درون آن قرار می‌داده‌اند و در مواقع انجام تشریفات مذهبی از آن استفاده می‌کرده‌اند. گروهی دیگر از جمله هنری راولینسون<sup>□</sup> و والتر هنینگ<sup>□□</sup> معتقدند که این بنا گنج‌خانه و محل نگهداری اسناد دینی و اوستا بوده‌است. گروه اندکی هم این بنا را پرستشگاه آناهیتا می‌دانند و معتقدند که مجسمه این ایزدبانو در کعبه زرتشت نگهداری می‌شده‌است. هلن سانسیزی وردنبورگ<sup>□□□</sup> این ساختمان را به عنوان سازه‌ای ساخته شده توسط داریوش یکم برای تاج‌گذاری می‌داند و شاپور شهبازی معتقد است کعبه زرتشت یک آرامگاه هخامنشی بوده‌است که در دوره ساسانی از آن به‌عنوان مکانی همانند گنج‌خانه اسناد دینی استفاده کرده‌اند. اریک فریدریش اشمیت درباره اهمیت این بنا می‌گوید: کوشش فوق‌العاده‌ای که برای برآوردن این شاهکار معماری لازم بوده انجام شود، تنها برای ساختن یک اتاقک تاریک و منفرد به کار رفته‌است. از این گذشته، این واقعیت که تنها ورودی اتاق یک بنا را با دری سنگین و دولنگه می‌بستند یا می‌توانستند ببندند، روشن‌ساز آن است که محتویات آن را می‌بایست از دستبرد و آلودگی دور نگه‌دارند.

## آتشگاه

فرض آتشکده و آتشگاه بودن را نخستین بار انگلبرت کمپفر مطرح کرد و پس از وی جیمز موریه<sup>۱۱۱۱</sup> و رابرت کر پورتر<sup>۱۱۱۲</sup> در اوایل سده نوزدهم این دیدگاه را قوت بخشیدند. گوشه جنوب غربی اتاقک، از دود سیاه شده است، و سبب شده تا احتمال دهند که در آنجا آتش مقدس روشن بوده است. در سال‌های بعد نیز فردیناند یوستی<sup>۱۱۱۳</sup>، گیرشمن، اشمیت و دیگران، فرضیه آتشگاه بودن کعبه زرتشت را تقویت کرده‌اند. یکی از دلایل این گروه این است که، داریوش بزرگ در کتیبه بیستون (ستون یکم، ۶۳) می‌گوید: «... من پرستشگاه‌هایی [آیدنا] را که گئومات مغ<sup>۱۱۱۴</sup> ویران کرده بود، بازسازی نمودم. (وقتی بازسازی شده باشد، پس آثار دودهم از بین رفته است. در نتیجه نظر ابن بلخی صائب تر می‌تواند باشد. مولف) به مردم، چراگاه‌ها، رمه‌ها، غلامان و خانه‌هایی را که گئومات ستانده بود بازگرداندم» .. پس در زمان کوروش بزرگ و کمبوجیه<sup>۱۱۱۵</sup> معابدی<sup>۱۱۱۶</sup> بوده است که گئومات مغ ویران کرده و داریوش مثل همان را باز ساخته است، و چون «زنداد سلیمان» در پاسارگاد متعلق به دوره اول هخامنشی و ویران شده است و درست مثل آن را در عهد داریوش در نقش رستم هم ساخته‌اند،

## تجزیه و تحلیل گزارش‌ها

پس می‌توان نتیجه گرفت که آن هر دو بنا معبد و یا نیایشگاه مذکور در کتیبه بیستون می‌باشد، و از آنجا که معبد در ایران زمان داریوش، جز برای آتش مقدس، برای چیزی دیگر نمی‌توانست باشد، پس اینها همه آتشگاه بوده‌اند. دیگر اینکه کعبه زرتشت پس از دوران هخامنشیان نیز به خوبی حفظ شده است و گرداگرد آن را خاک و سنگ پر نکرده بود و در آغاز دوره ساسانی، شاپور یکم بر روی آن مهم‌ترین سند تاریخ

ساسانی را نگاشت و کرتیر هم بر آن سندی مذهبی نوشت. اینها نشان می‌دهد که این بنا از نظر دینی اهمیت داشته‌است. از سوی دیگر، روی سکه‌های برخی از پادشاهان فارس از جمله سکه اوتوفرادات اول<sup>□□□□</sup> بنایی را نقش کرده‌اند که آتشگاه بوده و آتش شاهی که آتش یزدگردی نیز نامیده می‌شد را بر فراز آن یا در درون آن روشن می‌کرده‌اند و چون این بنا سکویی دو پله دارد، و دو در آن همانند کعبه زرتشت است و مرکز پادشاهی پارس هم در شهر استخر<sup>□□□</sup> بوده‌است؛ پس همان کعبه زرتشت است که بر سکه‌هایشان نموده شده‌است و بر روی سقف همین بناست که سه آتشدان گذارده‌اند و پادشاه پارس جلو آن به حالت عبادت ایستاده‌است. اما این دلایل نمی‌توانند درست باشند، زیرا آیدنا تنها به معنای «جای پرستش» است و این جای پرستش لزومی ندارد که معبد باشد و از سوی دیگر اگر بخواهیم بگوییم مردم در این محل عبادت می‌کرده‌اند، صحیح نیست زیرا این کعبه آنقدر کوچک است که محوطه داخل آن گنجایش بیش از دو نفر را ندارد. همچنین در مهرها و روی آرامگاه‌های هخامنشی می‌بینیم که آتشدان‌های حامل آتش شاهی در فضای آزاد نهاده می‌شدند، و آتش شاهی را در آتشدانی قابل حمل پیشاپیش پادشاه می‌بردند. نکته<sup>□</sup> قابل توجهی که هرتسفلد، سامی<sup>□□</sup> و مری بویس<sup>□□□</sup> متذکر شده‌اند این است که بعید به نظر می‌رسد آن‌همه هزینه و زحمت برای آن به خرج رفته باشد که آتش را در اتاقی تاریک و بی‌روزنه نگه داشته باشند که بی‌بازگداردن درش، آتش روشن نمی‌شد. زیرا آتش احتیاج به اکسیژن دارد و درون این کعبه طوری ساخته شده‌است که وقتی در و ورودی بزرگ سنگی آن بسته باشد، حتی یک چراغ روغنی هم نمی‌تواند بیش از چند ساعت در آن روشن بماند. این اتاقک راه بیرون رفت برای دود ندارد و از سوی دیگر در ورودی آن نیز همواره بسته بوده‌است. بنای روی سکه‌های پادشاهان

فارس نمی تواند کعبه زرتشت باشد زیرا تصویر مذکور بر سکه ها ارتفاعی بیش از دو متر نداشته است، سکویش دوپله بوده و پلکانی در پایین درگاهش دیده نمی شود، در ورودی آن نسبت به بنا بسیار بزرگتر از در کعبه زرتشت است، سقف آن بی شیب بوده چنان که می توانستند سه آتشدان را بر فرازش بگذارند، فاصله ای میان درگاه آن با سقفش وجود ندارد، تاج و سردر نیز ندارد و دندانه های نماینده سر تیرهایش ۶ عدد بیشتر نیست. این ویژگی ها به کلی با ویژگی های کعبه زرتشت مغایر است.



سکه اوتوفرادات اول. تصویر پشت سکه بنایی شبیه به کعبه زرتشت است

## آرامگاه

بیشتر پژوهشگران این برج را به عنوان مقبره یکی از شاهان هخامنشی تصور می کنند. چون از نظر شکل ظاهری، صلابت معماری و داشتن یک اتاق کوچک با دری بسیار سنگین، به آرامگاه کورش بزرگ و برخی از آرامگاه های لیکه<sup>□□□□</sup> و کاریا<sup>□□□□</sup> شبیه است، آن را آرامگاه می دانند. دیوید استروناخ<sup>□□□□</sup> بر این باور است که سازه های هخامنشی در پاسارگاد و نقش رستم می توانسته اند از هنر اورارتویی در نیایشگاه های برج شکل اورارتو تأثیر گرفته باشند. اریستوبولوس از همراهان اسکندر، هنگام توصیف پاسارگاد از بنای موسوم به زندان

سلیمان با نام «آرامگاه برج مانند» یاد می‌کند که اگر بنای مذکور آرامگاه یکی از شاهان هخامنشی فرض شود، به دلیل شباهت آن با بنای کعبه زرتشت، و آنچنان که فرانتس هاینریش وایسباخ<sup>۱۱۱</sup> و الکساندر دماندت<sup>۱۱۲</sup> توضیح داده‌اند ناگزیر باید این بنا را هم متعلق به یکی دیگر از شاهان هخامنشی دانست. از اینها گذشته کعبه زرتشت در چند متری آرامگاه‌هایی قرار دارد که زمان ساختشان یکسان است و بعدها هم همه را توسط زنجیری از استحکامات از بقیه قسمت‌های نقش رستم جدا کرده‌اند و این می‌رساند که در اصل همه آنها از یک نوع بوده‌اند و کاربرد مشابهی داشته‌اند، به عبارت دیگر، همه از جمله همین کعبه زرتشت، آرامگاه بزرگان هخامنشی بوده‌اند. چند دلیل دیگر برای آرامگاه بودن کعبه زرتشت می‌توان آورد؛ یکی وجود واحدهایی سه‌تایی و هفت‌تایی است که در آرامگاه‌های هخامنشی می‌یابیم. مثلاً اتاقک‌های سه‌قبری آرامگاه‌ها آنها را با سه طبقه نمودن کعبه زرتشت و سه پله‌ای بودن سکوی آن ارتباط می‌دهد و هفت دریچه هر طبقه از بنا، یادآور هفت آزاده پارسی روی آرامگاه‌ها و هفت طبقه بودن آرامگاه کوروش می‌باشد. اما کاوش‌های انجام گرفته، این دیدگاه را تأیید نمی‌کنند و نوشته‌های منقور بر دیواره کعبه زرتشت هم هیچ اشاره‌ای به وجود آرامگاه یا گورستان ندارند.

### گنج‌خانه

تفسیر گنج‌خانه بودن بنا، نخستین بار در سال ۱۸۷۱ توسط راولینسون مطرح شده‌است. معماری دقیق و اندازه مناسب اتاقک، سنگین و مستحکم بودن تنها در ورودی آن و اینکه رسیدن به داخل بنا دشوار بوده‌است از دلایل راولینسون بود. والتر هنینگ هم این نظریه را با دلایل تازه‌تری مطرح کرده بود. یکی از دلایل او مربوط به کتیبه‌های منقور بر دیواره اتاقک است؛ بر روی دیوارهای کعبه زرتشت، سنگ نبشته بزرگی از شاپور

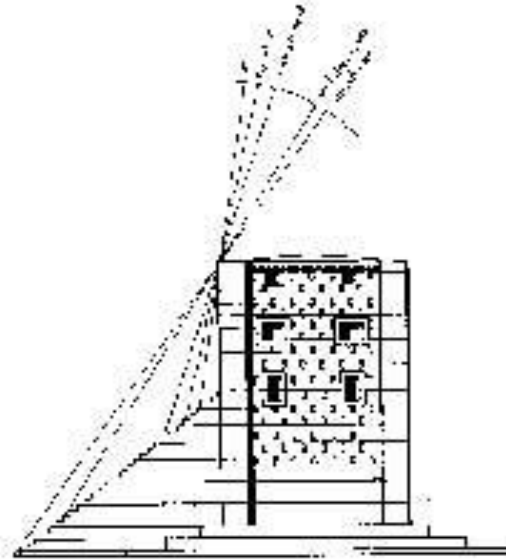
یکم نوشته شده است و در پایین این کتیبه، نبشته ایست از کرتیر که در سطر دوم آن آمده است: «این بن خانک ترا بود، چنان کن که دانی برای ایزدان و ما بهتر است». که استنباط برخی از مورخان این است که به معنای محل نگهداری منشورها، پرچم‌ها و اسناد دینی بکار می‌رفته است. ابن بلخی در خلال شرح آثار استخر، از این مکان با نام «کوه نفشت» یا «کوه نبشت» یاد کرده و گفته که اوستا در آنجا نگهداری می‌شده است. هنینگ معتقد است منظور ابن بلخی همین بنای کعبه زرتشت است. درباره ردّ این دیدگاه می‌توان گفت که اتاقک کوچک کعبه زرتشت برای نگهداری اوستا و کتاب‌های دینی دیگر و پرچم‌های شاهی بسیار کوچک است؛ برای چنین خواستی جایگاهی فراختر و بزرگتر لازم بود. همچنین نمی‌توان پذیرفت که به جای کاخ‌های بزرگ و گوناگون شاهنشاهان هخامنشی و ساختمان‌های سازمان‌های اداری و دولتی، جایی چنین دور از کاخ‌ها را برای نگهداری اوستا و پرچم‌های شاهی برگزیده باشند. چون برج دیگری مانند برج کعبه زرتشت در پاسارگارد به نام زندان سلیمان وجود دارد، نمی‌توان پذیرفت که شاهان هخامنشی جایگاه اوستا و یا پرچم‌ها را عوض کرده‌اند. همچنین کسانی که به استناد نوشته فارس‌نامه ابن بلخی، «کوه نفشت» یا «کوه نبشت» کعبه زردشت را جایگاه اوستا می‌دانند چنان‌که به نوشته همان کتاب کمی پیش‌تر از کلمه «کوه نفشت» بنگرند، نوشته شده: «... و بعد از آن او را قبول کرد و کتاب زند آورده بود به حکمت و بر دوازده هزار پوست گاو دباغت کرده نبشته بود بزر و شتاسف آنرا قبول کرد و به استخر پارس کوهی است، کوه نفشت گویند» پس ممکن نیست کتابی که بر پوست دوازده هزار گاو نوشته شده باشد در اتاقک کعبه زرتشت بگنجد.

## رصدخانه

در سال‌های اخیر رضا مرادی غیاث‌آبادی با انجام پژوهش‌های میدانی تفسیر تازه‌ای از این بنا ارائه داده‌است و آن را یک رصدخانه و تقویم آفتابی می‌داند و معتقد است که پنجره‌های کور، پله‌های مقابل در ورودی و ساختار بنا، یک زمان‌سنج یا شاخص خورشیدی برای سنجش گردش خورشید و به تبع آن نگهداشتن حساب سال و سالشماری و استخراج تقویم و تشخیص روزهای اول هر ماه خورشیدی و انقلاب‌های تابستانی و زمستانی و اعتدال‌های بهاری و پاییزی بوده‌است. او نتیجه می‌گیرد که می‌توان شروع هر ماه خورشیدی را با رصد سایه‌های تشکیل شده بر پنجره‌های کور، متوجه شد. اما این نظریه نمی‌تواند کاملاً درست باشد و یکی از دلایلی که می‌توان در رد این نظریه عنوان کرد این است که جهت شمال جغرافیایی هر منطقه ممکن است با جهت شمال مغناطیسی متفاوت باشد. زاویه انحراف شمال مغناطیسی از شمال جغرافیایی در محوطه نقش رستم برابر با حدود ۲٫۵ درجه‌است و زاویه انحراف مغناطیسی بنا، طبق اندازه‌گیری اشمیت برابر با ۱۸ درجه غربی نسبت به شمال مغناطیسی است، بنابراین انحراف بنا نسبت به جهت شمال جغرافیایی حدود ۱۵٫۵ درجه خواهد بود، در حالی که غیاث‌آبادی همان مقدار ۱۸ درجه را به عنوان انحراف بنا از شمال جغرافیایی در نظر گرفته‌اند.



رصدخانه نقش رستم معروف به کعبه زرتشت،



رصدخانه نقش رستم معروف به کعبه زرتشت



کعبه زرتشت از فراز حسین کوه

### پی نوشت

- مارکوس آنتونیوس گوردیانوس (به لاتین) (Marcus Antonius Gordianus): زاده ۲۰ ژانویه ۲۲۵ - درگذشته ۱۱ فوریه ۲۴۴) که بیشتر با نام گوردیان سوم شناخته می‌شود، امپراتور روم بین سال‌های ۲۳۸ - معروف به سال شش امپراتور - تا ۲۴۴ میلادی بود.
- والرین (به لاتین) (Publius Licinius Valerianus Augustus): امپراتور روم که از سال ۲۰۰ تا پس از سال ۲۶۰ زندگی کرد، از سال ۲۵۳ تا ۲۶۰ امپراتور روم بوده‌است. در سال ۲۶۰ شاپور یکم پادشاه ساسانی در نبرد ادسا، والرین امپراتور، سناتورها و سربازان وی را اسیر کرد. شاپور به افتخار این پیروزی دستور حکم پیکره‌ای عظیم در دل کوه مهر (رحمت) در نقش رستم داد که وی را پیروزمندانه نشسته بر اسب نشان می‌دهد در حالی که امپراتور فروتنانه در برابر وی زانو زده‌است.
- هیربُد یا هیربُد یا هیربُد (فارسی میانه hērbed: اوستایی (aēθrapaiti): یکی از پیشوایان آئین مزدیسنا است. در اوستا به صورت ائثرپیتی به معنی آموزگار یا استاد و یا آموزنده آمده و در زبان پهلوی ایرپت یا هیرپت و در فارسی هیربُد گفته می‌شود. در نوشته‌های پهلوی از واژه هیربُد غیر از مفهوم آموزگار، پیشوای دینی نیز اراده می‌شود.

- مادام ژان دیولافو به فرانسوی (Jane Dieulafoy: همسر مارسل اوگوست دیولافو) ۱۸۴۳-۱۹۲۰)، مهندس راه و ساختمان و باستان‌شناس فرانسوی بود و به همراه همسرش از سوی دولت فرانسه برای انجام کاوش‌های باستان‌شناسی سه بار به ایران سفر کردند. اولین مسافرت آنها در سال ۱۸۸۱ به بنادر جنوبی ایران صورت گرفت. مادام دیولافو مطالعات و مشاهدات اجتماعی و یافته‌های باستان‌شناسی همسرش را به صورت یادداشت‌های روزانه جمع‌آوری کرد و در دو کتاب جداگانه انتشار داد.

- ژان شاردن (به فرانسوی) (Jean Chardin: (۱۶ نوامبر ۱۶۴۳-۵ ژانویه ۱۷۱۳) جواهرفروش و جهانگرد فرانسوی بود که کتاب ۱۰ جلدی «سفرهای سرژان شاردن»<sup>۱۱</sup> به عنوان یکی از بهترین کارهای پژوهشگران غربی درباره ایران و خاور نزدیک برشمرده می‌شود. این کتاب برای اولین بار در ایران با نام «سیاحتنامه شاردن» با ترجمه محمد عباسی توسط مؤسسه مطبوعاتی امیرکبیر در سال ۱۳۳۵ منتشر شده است.

- انگلبرت کمپفر به آلمانی) (Engelbert Kaempfer: زادروز ۱۶ سپتامبر ۱۶۵۱ - درگذشته ۲ نوامبر ۱۷۱۶ پزشک و طبیعی‌دان اهل آلمان بود که به واسطه سفر جهانگردی‌اش به روسیه، ایران، هند، آسیای شرقی و ژاپن در بین سال‌های ۱۶۸۳ تا ۱۶۹۳ مشهور است. او درباره ایران مسافرت‌ها دو کتاب نیز نوشته است یکی از این کتاب‌ها با نام سفرنامه کمپفر توسط کیکاووس جهانداری به فارسی ترجمه شده است.

- کرنلیوس دبروین ه هلندی) (Cornelis de Bruijn: ۱۶۵۲ لاهه - ۱۷۲۶ اوترخت) جهانگرد، نویسنده و نقاش هلندی بود. او در دو سفر خود، مشاهداتش از انسان‌ها، گیاهان و ساختمان‌ها را به تصویر کشید و به چاپ رساند.

- اریش فریدریش اشمیت به آلمانی) (Erich Friedrich Schmidt: زاده ۱۳ سپتامبر ۱۸۹۷ - درگذشته ۳ اکتبر ۱۹۶۴) (باستان‌شناس آلمانی-آمریکایی متولد شهر بادن-بادن بود.

- رومن گیرشمن) (اکتبر ۱۸۹۵ - سپتامبر ۱۹۷۹) (به فرانسوی) (Roman Ghirshman: باستان‌شناس فرانسوی بود. تیم گیرشمن، نشسته از راست به چپ: رومن گیرشمن، تانیا گیرشمن و کونتنتووی در خارکف اکراین در خانواده‌ای یهودی به دنیا آمد. به سال ۱۹۱۷ به پاریس نقل مکان کرد تا باستان‌شناسی و زبان‌های باستانی را فراگیرد، تحصیلاتش را در دانشگاه سوربن، مدرسه

تحصیلات عالی و مدرسه عالیه لووربه پایان رسانید. اولین کار تجربی او زمانی بود که همراه با یک هیئت باستان‌شناسی فرانسوی به تلو واقع در کشور عراق رفت (۱۹۳۰). وی بیشتر به آثار باستانی ایران علاقه‌مند بود، در سالهای بعد، در راس هیئتی همراه با همسرش، تانیا گیرشمن به ایران آمد و به حفاریهایی در تپه گیان نهادند، زرامین سفلی، لرستان، اسدآباد، تپه سیلک، بگرام، بیشاپور و شوش پرداخت. وی در ۱۹۴۹ سفری به کوه‌های سخت‌گذر بختیاری کرد و برای نخستین بار در ایران موفق به کشف غاری که مسکن انسان‌های عصر نوسنگی بود گردید. مطالعات وی در چغازنبیل در ۴ جلد چاپ شده‌است. همچنین وی گروه کاوش در جزیره خارگ، ایوان کرخه، و آثار پارت‌ها در مسجد سلیمان خوزستان را سرپرستی کرد.

- سر هنری راولینسون به انگلیسی) Sir Henry Rawlinson : نام کامل : هنری کرسویک راولینسون Henry Creswicke Rawlinson : زاده ۵ آوریل ۱۸۱۰ - در گذشته ۵ مارس ۱۸۹۵ (دیپلمات و شرق‌شناس بریتانیایی بود. او نخستین کسی بود که خط میخی را با بررسی کتیبه‌های بیستون خواند.

- والتر برنوهیننگ (Walter Bruno Henning) زاده ۲۶ اوت ۱۹۰۸ در پروس شرقی - در گذشته ۸ ژانویه ۱۹۶۷ در برکلی، کالیفرنیا (خاورشناس و ایران‌شناس آلمانی و انگلیسی، متخصص زبان‌های باستانی ایرانی و پیشگام در پژوهشهای آیین مانی بود.

- هلن سانسیسی وردنبورخ به هلندی) Heleen Sancisi Weerdenburg : متولد ۲۳ می ۱۹۴۴ هارلم، درگذشت در ۲۸ می ۲۰۰۰ اوترخت ( مورخ و باستان‌شناس هلندی، متخصص در تاریخ یونان باستان و هخامنشیان اهل هلند بود. سانسیزی در سال ۱۹۶۷ در رشته تاریخ باستان از دانشگاه لیدن فارغ‌التحصیل شد. وی بنیانگذار و سرپرست کارگاه‌های هخامنشی‌پژوهی در هلند بود.

- جیمز موریه (به انگلیسی) James Justinian Morier : ۱۷۸۰ از میر - ۱۹ مارس ۱۸۴۹ برایتون) دیپلمات و نویسنده بریتانیایی قرن نوزدهم و مأمور سیاسی مقارن با سلطنت فتحعلیشاه قاجار در ایران بود.

- رابرت کریپورتر به انگلیسی) Robert Ker Porter : زاده ۱۷۷۷ میلادی، مرگ ۱۸۴۲ میلادی) یک جهانگرد و دیپلمات و نویسنده انگلیسی بود. وی در سال ۱۸۱۸ میلادی از پاسارگاد

بازدید کرده‌است. او اولین کسی است که پی برد بنایی که به مشهد مادر سلیمان معروف است همان آرامگاه کوروش بزرگ است.

- فردیناند یوستی به آلمانی (Ferdinand Justi): زاده ۲ ژوئن ۱۸۳۷ در ماربورگ، آلمان - در گذشته ۱۷ فوریه ۱۹۰۷ در ماربورگ، آلمان (ایران‌شناس آلمانی بود. او در ۲۸ سالگی به استادی دانشگاه ماربورگ رسید و به تدریس زبان‌شناسی تاریخی و تطبیقی و زبان‌های ایرانی پرداخت. وی چند اثر ارزنده در زمینه زبان‌های اوستایی، پهلوی، کردی و نیز تاریخ مشرق‌زمین به‌ویژه تاریخ ایران تألیف کرد که نامنامه شاخص‌ترین آنهاست. در این کتاب، نام‌های ایرانی از قدیم‌ترین ایام تا روزگار مؤلف، براساس اوستا و منابع پهلوی و آشوری، عیلامی، یونانی، لاتینی، ارمنی، سریانی، عربی، و فارسی درج شده‌است.

- گئومات یا گئوماتا (به پارسی باستان : 𐎱𐎠𐎼𐎿𐎡𐎹)، نام مگی بود که به نوشته کتیبه بیستون وانمود کرد که پسر کوروش بزرگ، بردیا (اسمردیس) است و تخت پادشاهی را از آن خود کرد. هیچ رویدادی به اندازه تحول جانشینی داریوش اول بر کمبوجیه دوم، به طور مفصل در تاریخ مکتوب هخامنشیان نیامده و در موردش بحث نشده است. در سال ۵۲۱ پیش از میلاد کمبوجیه در راه بازگشت از مصر می‌میرد. گئومات مغ (بردیای دروغین) با فریبکاری و زورستانی با طرح معرفی خود با نام بردیا فرزند کوروش بزرگ تخت پادشاهی را مالک می‌شود. بعد از آن داریوش یکم از خویشاوندان کوروش با یاری جمعی از نجیب‌زادگان پارسی، گئومات را کشت و به پادشاهی رسید.

- کمبوجیه دوم، پسر کوروش بزرگ  
- و توفرادات یکم نام یکی از پادشاهان محلی پارس در دوره سلوکیان است که در سال‌های بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ پیش از میلاد، حکومت می‌کرد.  
- اصطخر یا استخر شهری باستانی است که در استان فارس ایران واقع است. اصطخر از بزرگ‌ترین شهرهای دوران خود بوده و به گفته تاریخ‌نویسان چهار دروازه داشته که امروزه یکی از آنها در سرپیچ دوراهی مرودشت ارسنجان قرار دارد و دیگری در جنوب مرودشت کنونی قرار داشته‌است.

- علی سامی (زاده ۱۲۸۹ ش در شیراز - مرگ ۲۲ مرداد ۱۳۶۸ (نویسنده، محقق و استاد دانشگاه، باستان‌شناس و رئیس مؤسسه باستان‌شناسی تخت جمشید بود. مرمت آرامگاه کورش بزرگ در سال ۱۳۵۰ ش به سرپرستی وی انجام شد. وی فرزند آقابزرگ از شاعران و نقاشان کازرونی است .
- نورا الیزابت مری بویس (۲ اوت ۱۹۲۰-۴ آوریل ۲۰۰۶) استاد دانشگاه و پژوهشگر در رشته مطالعات زرتشتی بود. او در ۲ اوت ۱۹۲۰ در دارجیلینگ در کشور هند دنیا آمد. پدر او از قضات دستگاه حکومتی بریتانیا در هند، و مادرش نوهٔ مورخ انگلیسی بنام سموئیل گاردنر بود.
- لیکیه (به یونانی Λυκία) ناحیه‌ای در آناتولی در جایی قرار گرفته که اکنون بخشی از استان‌های آنتالیا و موغله ترکیه است. این ناحیه شامل چندین شهر باستانی بوده‌است. لیکیه از شهرهای باستانی و در ۱۶۸ پیش از میلاد بنیانگذاری گشته و در زمان روم یکی از استان‌های این امپراتوری بوده‌است. مرزهای این شهر در طی زمان جابجا شده‌است.
- کاریا (کاری یا کاریه) سرزمینی است در جنوب غربی آسیای کوچک در کرانه دریای اژه که از طرف مغرب و جنوب محدود به دریا بوده. کاریا یکی از شهرهای (ساتراپی‌های) ده‌گانهٔ هخامنشیان در آسیای کوچک بوده و جنگجویان آن جزء سپاهیان ایران بشمار می‌رفتند.
- دیوید استروناخ (به انگلیسی David Stronach) باستان‌شناس اهل اسکاتلند و کارشناس تاریخ ایران و عراق است که هم اکنون استاد دانشگاه برکلی است.
- فرانتس هاینریش وایسباخ (به آلمانی) (Franz Heinrich Weißbach) زاده ۲۵ نوامبر ۱۸۶۵ در کمیتز، مرگ ۲۰ فوریه ۱۹۴۴ در مارکلیبرگ (یک خاورشناس آلمانی بود که از سال ۱۸۸۸ تا ۱۹۳۵ در دانشگاه لایپزیگ کار میکرد. وی در اواخر قرن نوزدهم میلادی از ایران نیز بازدید کرده و نوشتاری با عنوان "آرامگاه کورش و سنگ‌نیشته‌های مرغاب" در مورد تحقیقاتش در پاسارگاد نوشته است وایسباخ در سال ۱۹۴۴ بر اثر بمباران هوایی مناطق غیر نظامی آلمان توسط متفقین در جنگ جهانی دوم کشته شد.
- الکساندر دماندت (به آلمانی) (Alexander Demandt) تاریخ‌نگار اهل آلمان است. او استاد تاریخ باستان دانشگاه آزاد برلین از سال ۱۹۷۴ تا ۲۰۰۵ بود. دمانت صاحب‌نظر برجسته‌ای در زمینهٔ تاریخ روم است.
- سعیدی، فرخ (۱۳۷۸)، راهنمای تخت جمشید، نقش رستم و پاسارگاد، پازینه، تهران.

## **Investigating the historical and archaeological developments of Zoroastrian Kaaba "Kornai Khane" or "Naqare Khane"**

Rahim Tazri, Azadeh Mahmoodian

### **Abstract**

Zoroastrian Kaaba is the name of a square stone building with steps in the ancient site of Naghse Rostam, which is located in Marvdasht, Fars, 7 kilometers northwest of Takht Jamshid. In addition to the mentioned building, the area of Naghse Rostam also contains monuments from the Elamian, Achaemenid and Sassanian periods. Some archaeologists consider the Zoroastrian Kaaba to be the place of preservation of Zoroastrian scriptures (Avesta). From a point of view, it seems that this important ancient work was a studan or the tomb of an Achaemenid king. In some sources, the term Zoroastrian Kaaba is considered new and unscientific, and its history is written around the 14th century AD. Therefore, the local name of this building is Kornai Khaneh or Naqare Khaneh, and the Europeans considered it a special place for worshiping fire "Atashgah" due to the fact that the inside of this building was blackened by smoke.

Field research has provided a new interpretation of this building and considers it an observatory and a solar calendar. On the stone walls of this work, there are several inscriptions in Pahlavi and Greek language.

In this article, an attempt has been made to study and examine this ancient work from a historical and archeological point of view.

**Key words:** Naqshe Rostam, Naqarakhane, Urartu, observatory, Marvdasht, Takhte Jamshid.



